

نهایت معرفت دینی

«چند حکمت آخرالزمانی»

۱- همه چیز یک چیز است و آن یک چیز همه چیز است! پس یگانه باش تا همه چیز باشی و بی نیاز از هر چیزی همچون خدا!

۲- دروغ مگو تا دروغی مشنوی! مکر مکن تا مکاری نیابی! خیانت مکن تا خیانت نبینی! همان باش که هستی تا همه را همان بینی که هستند یعنی بر حق!

۳- دین را وسیله امرار معیشت مساز تا دنیایت تباه نگردد!

۴- خواهش از برای نیازها، طلب مغفرت از بابت خطاها و تشکر در قبال الطاف دیگران! هر که این سه عنصر اخلاق را نداشته باشد از رحمت و محبت حق و خلق جدید محروم است. و چه اندکند صاحبان اخلاق!

۵- بلا آنست که با توبه و صدقات رفع شود و عذاب آنست که اگر همه عالم جمع شوند رفعش نتوانند نمود.

۶- هیچ عیبی در کار جهان و جهانیان نیست عیب در طرز نگرش و فهم و قضاوت توست.

۷- گناه نابخشودنی آنست که به نام خدا و دینش انجام می شود و عذاب نابخشودنی نیز حاصل این گناه است. این همان عذاب حاکم بر جوامع مذهبی است.

۸- اگر بر علل بدبختی کسی آگاه شوی هرگز او را بدبخت نمی بینی و یاریش نمی دهی! او بدبختی خود - خواسته است که بدبختی خود را به خدا نسبت می دهد. او شیطانی در صورت بشر است که ترحم مردم را به خود جلب می کند تا مردم را به خدا کافر سازد! چنین کسی را لعنت کنید!

۹- جز دشمنان ناجی موعود در انتظار ظهور جسمانی نیستند! دوستانش عدلش را می خواهند که در جهان جاریست و خودشان سپر بلای اویند و لایق دیدارش!

۱۰- مخواه که کسی را بنده خود سازی که به بندش می افتی!

۱۱- معارف توحیدی اهل تقوا را به آسمان می برد و بولهوسان را به درک اسفل السافلین!

۱۲- منکر آخرالزمان، دشمن عقل و دین است چه ملا باشد یا فیلسوف!

۱۳- آنچه که موسوم به فقه اسلامی است احکام حاکمیت امویان و عباسیان به مدت سیصدسال در صدر اسلام است که هدفش کشتار امامان و سرکوب و قلع و قمع مؤمنان و عرفا و آزادیخواهان بوده است و لذا از ارکان اساسی این فقاقت اصل موسوم به توریه است که همان دروغ مصلحتی و وارونه‌سازی احکام الهی می‌باشد که همه طلاب علوم دینی آنرا تعلیم می‌یابند که در کتب مکاسب و لمعه تدریس می‌شود. پس چنین فقهی نه تنها اسلامی نیست که ضد اسلامی است. از این روست که در روایتی منسوب به رسول خاتم در صف مقدم دشمنان مهدی موعود در آخرالزمان جماعت موسوم به فقها قرار دارند.

۱۴- هیچ دینی در هیچ حکومتی نمی‌گنجد الا اینکه هر دو تباه شوند. زیرا کار دین ساماندهی اندیشه و دل و اخلاق است نه بدن و دنیا! و کار حکومت هم ساماندهی دنیای مردم است نه روح مردم! بنابراین پدیده حکومت دینی پدیده‌ای کاذب و باطل و ویرانگر است الا اینکه اکثر قریب به اتفاق جامعه مؤمن باشند در حالی که واقعیت امر کاملاً وارونه است.

۱۵- مسلمان یا اهل تقلید و تشبیه است از کلام رسول و اولیای سلف خود و یا اهل اطاعت و ارادت است نسبت به امام زنده خویش! اولی را سنی گویند و دومی را شیعه! اینک پیدا کنید شیعه حقیقی را!

۱۶- تو شیعه باش امام تو را می‌یابد. تو بخواه که آدم باشی تا خدا خود روحش را بر تو نازل کند. این روح همان امام توست.

۱۷- تا زمانی که مردم مشکلی جز مشکل مادی نمی‌شناسند راه نجاتی نمی‌یابند. اینان بزرگترین دشمن ناجی موعود هستند.

۱۸- مبارزه برای آزادی و عدالت تا زمانی که راهی جز تغییر حکومت نمی‌شناسد همواره به اسارت و ستمی مضاعف می‌رسد و نهایتاً پشیمانی از هر چه مبارزه و آزادیخواهی و عدالت‌طلبی! و این راز ظهور ضد انقلاب است از قلب هر انقلابی!

۱۹- آخرالزمان به زبان ساده یعنی دیگر هیچ خیری در گذشت زمان نیست و زمان هر چه به پیش می‌رود مسائل و مشکلات بشری را حادثر و شدیدتر و لاعلاج‌تر می‌سازد و تنها راه نجات بازگشت به خویشتن خویش و رجعت به گذشته خویش در نفس ناطقه خویش و سیر در انفس و معرفت نفس و توبه از تمامیت خود و منیت‌های مادی و معنوی و عقیدتی و عاطفی است تا حصول قلمرو الساعه و اکنونیت جان که حضور حق است و برپائی قیامت نفس! بزرگترین حجت نومیدی بشریت به زمان اینست که همه اقوام بشری در انتظار ظهور ناجی موعود هستند.

۲۰- مذهب امامیه، تنها مذهبی در جهان است که در آن جرم ستم بر به مراتب بیشتر از ستمگر است در نزد پروردگار عالمیان! بنابراین مظلومیت پرستی در این مذهب یک انحراف و دجالت است که بواسطه علمای مزدور خلفای عباسی پدید آمد و برای تقدیس این مذهب ضد مذهب دریائی از احادیث منسوب به ائمه اطهار^(ع) نیز تولید شد و تا به امروز اشاعه یافته است که آشکارا مذهب تقدیس جرم و جنایت است از جمله این حدیث کذابی که: هر که بر امام حسین بگرید یا حتی تظاهر به گریه کند همه گناهانش به درگاه خدا بخشوده شده و بهشت بر او واجب می گردد حتی اگر مقدار این گناهان از سنگینی همه کوه ها و دریاها و ریگ های بیابان بیشتر باشد. این مذهب اصالت ذلت پذیری و ظلم پذیری و تقدیس هر جرم و جنایتی است آن هم در لوای شفاعت امامان! این امامان دیگر امامان هدایت نیستند بلکه امامان شقاوت می باشند امامان ضد امام! این تشیع دجالی است و بلکه مذهب ابلیس است که لباس شیعه گری بر تن کرده است. توبه خالصانه از این تشیع دجالی تنها راه نجات شیعه در آخرالزمان است.

۲۱- دین و آئین موروثی حتی اگر فی ذاته متعالی ترین مذهب هم باشد برای اهلش حداکثر مذهب شرک و نژادپرستی است که خداوند عذابش را بر پیروان مذاهب شرک واجب خوانده است (قرآن)- هر آنچه که از شجره به ارث می رسد ظلمانی و شیطانی است بخصوص دین شجره!

۲۲- کسی که از ولی نعمت زنده اش تبعیت و تقدیر نکند هیچ کس در این دنیا از او تبعیت و تقدیر نمی کند حتی اراده خودش!

۲۳- کسی که واقعه قیامت آخرالزمان را در جهان معاصر درک و تصدیق نکند از فهم هر حقیقتی در زندگی فردی و اجتماعی و جهانی عاجز مانده و در پریشانی و یأس و جنون هلاک می شود. و مجموعه آثار ما تبیین این واقعه عظیم جهانی است: «خداوند ذکر را به همراه کتاب هائی بر تو نازل نمود تا حق هر آنچه را که بر مردمان واقع می شود برایشان بیان کنی باشد که تفکر نموده و هدایت شوند!» قرآن کریم-

۲۴- وای بر کسانی که از این معارف در خدمت تنفیس و دکان داری عرفانی بهره می برند و در فضای مجازی مشغول کسب و کار شیطانی و هدایت بازاری هستند.

۲۵- بدانید و آگاه باشید که بنده (علی اکبر خانجانی) هیچ نماینده و وکیل و وصی یا سخنگو و جانشین و معاونی نداشته و ندارم و لذا هر کسی تحت هر عنوانی خودش را مربوط و منسوب به ما معرفی کند یک کذاب و کلاه بردار است.

۲۶- باز هم جداً هشدار می دهم که تلقین و تقلید از ما و احوال و حوادث عرفانی زندگی ما شاهراه ابتلای به شیطان است شیطان شبیه سازی و همذات پنداری! این همان انکار معارف به روش ابلیسی است که: کافران می گویند به ما هم الهام می شود!!!

۲۷- در قرآن کریم سه نوع خدا معرفی شده است یکی خدائی است که در دور دست‌ها و در ورای آسمان‌هاست که این خدای کفر و کافران است. و دومی خدائی است که مقیم دل و جان و بر کلیه احوال و اعمال و امیال آدمی حاضر و ناظر است و این خدای مؤمنان و متقین است. و سومی خدائی است که سلطان هوای نفس و بولهوسی‌های فرد است و این نام مستعار شیطان است و پیروان این خدا معتقدند که دائماً بر آنها وحی می‌شود که این وحی شیطانی است.

۲۸- بر روی زمین و در طول تاریخ عداوتی عمیق‌تر و پایدارتر از جنگ زناشوئی نیست که این جنگ غالباً تا روز قیامت ادامه می‌یابد زیرا فرمانده این جنگ خود شیطان است که حاکم بر قلوب طرفین است و طرف مقابلش را به بندگی و پرستش خود می‌خواند. پایان این جنگ در سقوط این دو «من» در نزد «هو» است این هو همان امامی حی و انسان کامل است. به هر حال هر یک از طرفین که من خود را تسلیم هوی امام خود سازد از میدان هلاکت‌بار این جنگ خارج شده و به صلح می‌رسد و از تسخیر شیطان نجات می‌یابد زیرا آدمی را سجده کرده است. انکار آدمیت و ارزش‌های انسانی همانا پیروی از شیطان است همان‌طور که امروزه شاهدیم که ابتدائی‌ترین ارزش‌های اخلاقی مثل صداقت، خویش‌داری، عفت، دوری از حرام و ربا و زنا را دال بر عقب‌ماندگی و حماقت و خرافه می‌دانند.

۲۹- کسی که خود را موظف به تأمین معیشت خانواده می‌داند هرگز در این امر در نمی‌ماند. درماندگی در امر حداقل معیشت خانواده حاصل حرص و بخل و زیاده‌طلبی و ناشکری بر نعمات است.

۳۰- امروزه این احساس و تلقین و خودشیفتگی در بسیاری از مردم رایج است که می‌گویند: من کرونا نمی‌گیرم! این ادعا از وجه عقلانی دال بر نهایت جنون است و به لحاظ عقیدتی عین کفر می‌باشد که خود را از بلای آخرالزمان ایمن می‌پندارد. کرونا جز ایمان خالصانه به خدا و رعایت اشد تقوا و تفرید و تجرید و توبه از گناهان هیچ علاج دیگری ندارد. امروزه شاهد بازگشت موج جدید و شدیدتر کرونا در اروپا و روسیه و آمریکا هستیم که اکثر مردمشان واکسینه شده‌اند.

۳۱- محبت کمیاب‌ترین و ناشناخته‌ترین گوهره وجود است که جز در مردان خدا و عشاق حق یافت نمی‌شود مابقی هر چه می‌بینی دام شیطان است.

۳۲- محبت تو به اشقیاء جز بر شقاوتشان نمی‌افزاید. سخاوت و رحمت تو به بخیلان جز بر بخلشان نمی‌افزاید. آموزش حکمت و معرفت به احمقان جز منجر به حماقت مفتخرانه‌شان نمی‌شود. شفاعت و حرمت تو نسبت به تبهکاران جز بر تباهی آنها نمی‌افزاید. دوستی تو با دشمنان جز بر دشمنی‌شان نمی‌افزاید. حمایت مالی تو از گدایان جز بر گدایی و دزدی آنها نمی‌افزاید. خدمت و رحمت و محبت تو به خلائق اگر برای رضای خدا باشد فقط تو را به خدا می‌رساند و آنها را به شیطان. هیچ‌کس نمی‌تواند زندگی و سرنوشت دیگران را به لحاظ مادی یا معنوی اصلاح و تغییر دهد بلکه هر کسی در هر آنچه که هست و در همان سوئی که می‌رود رشد می‌کند. کافر، کافرتر می‌شود و مؤمن هم مؤمن‌تر، فقیر، فقیرتر می‌شود و غنی هم غنی‌تر! عاقل، عاقل‌تر می‌شود و احمق‌تر هم احمق‌تر می‌گردد و...! و اما کسی که براستی در عشق اصلاح و نجات مردم است این خود اوست که بالاخره راه اصلاح و نجات خود را می‌یابد و خود تغییر و تکامل می‌یابد. تو

فقط خودت را می‌توانی تغییر دهی. همه کسانی که می‌خواستند به زور مردم را تغییر دهند تبدیل به مستبدترین و ظالم‌ترین انسان‌های تاریخ شدند و مردم را نیز هلاک نمودند و ملعون خلائق گشتند. این عاقبت انقلابات آرمان‌شهری در سراسر جهان است.

۳۳- ایمان روح ایمنی و احساس امنیت وجودی در قبال هر خطر و بلا و ناامنی است. انسان بی‌ایمان نه تنها خود از قلمرو این امنیت روح خارج است بلکه خود مولد انواع ناامنی و هراس و فتنه و فساد در جامعه است. آخرالزمان عصر حاکمیت جهانی بی‌ایمانی است و لذا عصر هجوم انواع ناامنی‌ها و هراس‌ها و مخاطرات و بحران‌های بی‌سابقه است. اینست که آخرالزمان عرصه امتحان نهائی بشریت در کفر و ایمان است. امتحانی که فقط یک سؤال دارد: آیا خدا کافیت یا نه! در قبال هر مشکلی این سؤال پیش روی ماست: در قبال قحطی، تورم، ناامنی، کرونا، تنهائی، زلزله، طوفان و انواع امراض لاعلاج!

۳۴- اصرار و جبر در ارشاد و هدایت و نجات دیگران نه تنها دیگران را به راه نمی‌آورد که تو را هم از راه به در نموده و شبیه آنها می‌سازد. این جزای اکراه در دین است. زیرا دین راه انتخاب آزاد است. پس تنها راه یاری دیگران در دین فراهم نمودن امکان آزادی انتخاب در دین است. آزادی اصل اول دین است زیرا اصل آخر دین در معاد و قیامت هم بر آزادی است زیرا خداوند در کتابش بارها اعلان نموده است که گناه هیچ‌کس را به گردن دیگران نمی‌اندازد و هر کسی مسئول تمام و کمال اعمال و سرنوشت خویش است: «اگر در آن‌روز بگوئید که گناه ما بر عهده والدین و برادران و معلمان و دوستان و رهبران و همسران ماست از شما پذیرفته نمی‌شود چون دروغ می‌گوئید و می‌دانید که دروغ می‌گوئید!» قرآن -

۳۵- همه هر آنچه که بر فلسفه‌های اسلامی معروف است چیزی جز تفاسیر گوناگون فلسفه افلاطون و ارسطو به زبان عربی نیست. و اینها ذاتاً اسلامی و بخصوص شیعی نیست چرا که در نزد امامان شیعه و خاصه امام صادق قیاس منطق ابلیس است و فلسفه ارسطو هم تماماً بر این منطق بنا شده است. پس فیلسوف و اهل فلسفه‌ای که خود را مسلمان و بخصوص شیعه می‌پندارد در نفاق افتاده است چه بوعلی باشد یا ملاصدرا! فلسفه موسوم به فلسفه اسلامی همان فلسفه ابلیس در لباس اسلام است. همان‌طور که فلسفه یونانی که اساس تفکر و علوم غربی است نیز امروز در سراسر جهان باعث و بانی یک تمدن جهنمی است چرا که منطق این فلسفه قیاس است و قیاس هم منطق ابلیس است و لذا این تمدنی ابلیسی و آتشین است که جهان و جهانیان را در خود می‌سوزاند و بشریت را به نابودی می‌برد.

۳۶- حیات آخرالزمانی بشر بر روی زمین همان حیات اخروی اقوام پیشین است که اینک قیامتشان برپا شده است. همان‌طور که حیوانات روی زمین نیز صورت مسخ شده مردم کافر دوران قبل هستند.

۳۷- قرآن کریم مکرراً تصریح فرموده که «اعمال شما همان جزای شماست» ولی مفسران و ملایان این کلام آشکارا وارونه ساخته‌اند و می‌گویند که این اعمال بعداً جزا داده می‌شوند در حالی که اعمال نیک و بد بشر جزای افکار و نیات و

باورهای اوست یعنی معلول است نه علت! و لذا خداوند می‌فرماید که: خدا شما و کلیه اعمال شما را آفریده است. یعنی اعمال ما از ما نیست بلکه نیات ما از ما هستند.

۳۸- گفتگو و مشاجره زناشوئی عرصه سلطنت ابلیس است زیرا کلیه مفاهیم مورد نظر طرفین را در اذهانشان واژگونه می‌سازد و لذا تا ابد هیچ تفاهم و صلحی بین این دو ممکن نمی‌شود و این دو را دشمنانی ابدی تلقی می‌کند مگر اینکه لااقل یکی از این دو نفر از این مشاجره خارج شود یعنی در دفاع از شجره و نژاد خودش خارج شود زیرا هیچ مشاجره‌ای بین زن و شوهر پیدا نمی‌شود الا اینکه دعوا بر سر برتری نژادی است. اینست که زن و شوهر در سکوتشان بهتر یکدیگر را درک می‌کنند تا در گفتگوهایشان! زیرا منطق حاکم بر این گفتگوها همان قیاس است که منطق ابلیس است و لذا به محض پیدا شدن هر مقایسه‌ای بین دو نژاد و ارزش‌هایشان ابلیس هم به میان می‌آید و کلامشان را واژگون می‌سازد تا آنجا که حتی در بدیهی‌ترین مشترکات منطقی هم به تضاد و سوءتفاهم دچار می‌شوند. منطق قیاس منطق برتری‌طلبی و سلطه است و این حرفه ابلیس در امر زناشوئی می‌باشد تا یکی را بنده دیگری سازد و عاقبت هر دو را بنده خود نماید. همه مشاجرات زناشوئی ریشه در حس برتری شجره (نژاد) دارد. و سلطان شجره هم ابلیس است.

۳۹- امروزه گروه کثیری از مردم جهان و خاصه مردم ایران شبانه روز مشغول سلاخی صورت و جمال خویشان هستند و این به معنای نفرت فزاینده آنها از خویشان است. این نفرت از خود ناشی از امیال و افکار و اعمال زشت و پلید ایشان است که آنها را به‌سوی مسخ صورتشان می‌کشاند. در واقع اینان چشم دیدن خود را ندارند اینست که این سلاخی دماغ و لب و گونه‌ها پایانی ندارد. این مسخ آخرالزمانی است مسخ آدمیت در صور اجنه و شیاطین!

۴۰- اسلام نه فلسفه است نه فقاقت! فلسفه‌اش همان منطق ارسطو است که به زبان عربی تبیین شده است و فقاقتش هم احکام حکومتی بنی‌عباس است جهت قتل عام ائمه و علویان و سرکوبی مؤمنان و آزادیخواهان! اسلام احکام فطرت الهی در بشر است که باید احیاء و خلاق گردد: صدق، عدل، وفا، رحمت، محبت، تقوا، گذشت، عزت نفس، نوع‌دوستی، خردورزی، سیر و سلوک الی‌الله و آزادی روح از اسارت دنیا و دنیاپرستان! قناعت، صبوریت، عفو و دوری از هر چه که وجدانت را به عذاب می‌اندازد. اسلام، آداب آدمیت است و آدمیت مقامی است که انسان را به دوستی با خداوند می‌رساند و دوستی با جهانیان! اسلام دین صلح و سلامت و تسلیم شدن به امر خدا در لحظه به لحظه زندگی است. اسلام، با خدا زیستن و در خدا زیستن و به‌سوی خدا زیستن است تا سرحد خدائی زیستن و زیست خدائی در جهان هستی! اسلام راه و رسم خروج از سیطره طاغوت و حکومت‌هاست و ورود به حزب خدا که قلمرو حیات انبیاء و اولیاء و شهدا و صدیقین و صالحین و مخلصین و محبین است در همین دنیا! اسلام، دین روزی خوردن از دست خداست و زیستن در نزد خداست و مردن در آغوش او است و قیام کردن از برای او! «ای اهل ایمان برای خدا قیام کنید حتی اگر دو نفر باشید یا یک نفر!» قرآن-

۴۱- یکی از ویژگی‌های آخرالزمان ظهور اجنه و شیاطین و تداخل و همزیستی آنها با کافران و مشرکان و منافقان است که این حضور را چه بسا آدمیان هم در زندگی روزمره خود درک نموده و حتی به چشم سر می‌بینند که این نشانه تباهی و بروز اشد جنون و مالیخولیا و فساد و فروپاشی هویت انسانی است که گاه برخی از این آدمیان، این همزیستی و حضور اجنه و شیاطین را در زندگیشان، نوعی کشف و شهود عرفانی می‌پندارند و بدان فخر می‌کنند. امروزه بندرت خانواده‌ای یافت می‌شود که در آن فردی مجنون و مالیخولیائی و دوشخصیتی یافت نشود که این از نتایج تداخل اجنه و شیاطین در زندگی بی‌تقوایان و فاسقان و تبه‌کاران است. و از این‌روست که دکان شیادان و رمالان و جن‌گیران و دعانویسان در سراسر جهان در حال رونق است در حالی که خود این شیادان حاملان و ناقلان این اجنه و شیاطین به مراجعه‌کنندگان خویش هستند. برخی از فرقه‌های درویشی و عرفان‌های شیطان‌پرست از جمله عرفان حلقه از جمله تقدیس‌کنندگان و دکان‌داران این واقعه آخرالزمانی هستند.

علی اکبر خانجانی

دی ماه ۱۴۰۰